

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا (س)

سال سی و یکم، دوره جدید، شماره ۵۰، پیاپی ۱۴۰، تابستان ۱۴۰۰ / صفحات ۱۶۳-۱۴۱

مقاله علمی - پژوهشی

جنبش زنان در تونس: از شکل‌گیری رویکرد اسلامی تا پیدایش دیدگاه سکولاریستی (۱۸۸۱-۱۹۵۶م)^۱

زهرا میرزایی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۳۰

چکیده

تونس در قرن نوزدهم میلادی همچون سایر جوامع اسلامی با جریان مدرنیته آشنا شد. ورود مدرنیته به تونس زمینه‌ساز تحولات گسترده سیاسی، اداری، نظامی، فرهنگی و آموزشی شد. با وجود این تحولات، تا اوایل قرن بیستم حقوق زنان و اصلاح وضعیت اجتماعی آنان مورد توجه حاکمان و متفکران نوگرای تونس قرار نگرفت. تنها از نخستین دهه‌های سده بیستم، مقارن با ورود استعمار فرانسه (۱۸۸۱-۱۹۵۶م) زنان و حقوق آنها کانون توجه قرار گرفت. در این دوره، جریان اصلاح‌طلبی دینی همچون زنجیری منطقۀ مغرب عربی و تونس را در بر گرفت و باعث شد جریان نوگرایی رنگ و بوی اسلامی به خود بگیرد. بر همین اساس، برای نخستین بار بحث حقوق زنان از سوی نوگرایانی چون طاهر الحداد مطرح شد که از تحصیل‌کردگان جامع اعظم زیتونه بودند. آنها با رویکرد اسلامی به دفاع از زنان و حقوق اجتماعی آنها پرداختند و با تفسیرهای جدید از متون دینی، مفاهیم دینی را در خدمت نهضت فمینیسم قرار دادند. موضوعاتی چون حجاب، آموزش و اشتغال زنان، تعدد زوجات و حق طلاق به چالش کشیده شد. البته این مسئله از سوی مردم و برخی علمای سنت‌گرا با واکنش منفی مواجه شد. مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که چه عواملی به تحول وضعیت زنان و شکل‌گیری جنبش‌های حمایت از زنان در دوره استعمار منجر شد؟ و این تحولات چه پیامدهایی در پی داشت؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عواملی چون ورود مدرنیته به تونس، نقش استعمار، حمایت

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HII.2021.34716.2407

۲. دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

zahra.mirzaei18@yahoo.com

- مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «نوگرایی در تونس و گونه‌شناسی آن (۱۸۸۱-۱۹۶۵م)»، دانشگاه

بین‌المللی امام خمینی در سال ۱۳۹۹ می‌باشد.

نوگرایان اسلامی از حقوق زنان و تشکیل اتحادیه‌ها نقش مؤثری در اصلاح وضعیت اجتماعی زنان داشت و مواردی چون احداث مدارس دخترانه، افزایش نسبی سواد زنان، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی از جمله پیامدهای مهم اصلاحات بود. این اصلاحات زمینه‌ساز تحولات گسترده‌تر بعدی، یعنی حمایت دولت از فمینیسم و ظهور جنبش زنان به شکل سکولار در دوره استقلال تونس شد.

واژه‌های کلیدی: تونس، مدرنیته، جنبش زنان، نوگرایان، اسلام‌گرایان

مقدمه

صنعتی شدن غرب در اوضاع و احوال خاصی صورت گرفت و نوآوری‌ها و تغییراتی در وجوه مختلف جامعه غربی به وجود آورد. این جریان به مرور زمان به سایر نقاط جهان نیز تسری یافت. یکی از پدیده‌های بارز اواخر قرن نوزدهم در سرزمین‌های اسلامی، به‌خصوص خاورمیانه پیدایش «جریان مدرنیته» بود. تونس نیز از این جریان بی‌تأثیر نماند و حتی در برخی حوزه‌ها نسبت به سایر کشورهای منطقه پیشرو شد. پیدایش و رشد نوگرایی فرایندی مرحله‌ای بود که پیش از آغاز استعمار با اقدامات برخی از «بای‌ها»^۱ و شخصیت‌های سیاسی و نظامی آغاز شد. در این مرحله تجددخواهان تونسی تنها راه خروج سریع جامعه خود از عقب‌ماندگی‌های گسترده علمی و تکنولوژیکی را استفاده همه‌جانبه از دستاوردهای فنی و تکنیکی غرب می‌دانستند و توجهی به مبانی و استلزامات معرفت‌شناختی مدرنیته نداشتند. آنها فاقد درک جامع از تغییرات بنیادینی بودند که مدرنیته در تعاریف و مفاهیم اساسی نظیر انسان، جهان و جامعه در قیاس با دوران پیش از خود ایجاد کرده بود. تحولاتی چون تجدید سازمان ارتش، راه‌اندازی پست و تلگراف، خط آهن، قانون‌گرایی و مشروطه کردن نظام سیاسی، پیچیده‌تر شدن ساختار اداری و همچنین اصلاحات اقتصادی و آموزشی از جمله آنها بود. در سال ۱۸۵۷م. نخستین قانون اساسی در تونس با عنوان «عهد الأمان»^۲ با تلاش شخصیت‌های

۱. کلمه بای معرب «بیگ» ترکی به معنای بزرگ است. این اصطلاح در دیوان اداری عثمانیان رواج داشت و به کارگزاران عثمانی در سرزمین‌های مغرب عربی، از جمله الجزایر و تونس اطلاق می‌شد (بن محمدسلطان ولد، ۱۳۴۱: ۱۶/۱).

۲. سند «عهد الامان» مشتمل بر ۱۱ قاعده بود. لفظ امان در آن به معنی در امان بودن از استبداد و حکومت مطلقه بود. این اعلامیه توسط محمدبای (۱۸۵۵-۱۸۵۹م) در ۱۰ سپتامبر ۱۸۵۷ در قصر باردو در حضور بزرگان ملت و سران نظامی خوانده شد و به تصویب رسید (عبدالوهاب، ۲۰۰۱: ۱۷۲). در سال ۱۸۶۱م. قانون اساسی شکل کامل‌تری به خود گرفت و براساس آن تقسیم قدرت و تفکیک قوا به قوه مجریه، مقننه و قضائیه صورت گرفت (Huseyn Hilmi, 1970: 1/143)

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء^(س)، سال ۳۱، شماره ۵۰، تابستان ۱۴۰۰ / ۱۴۳

اصلاح طلبی چون خیرالدین تونسلی (۱۸۲۰-۱۸۹۰م)^۱ و احمدبن ابی الضیاف (۱۸۰۲-۱۸۷۴م)^۲ تدوین و برابری تمام شهروندان ساکن تونس با هر نژاد و مذهبی در مقابل قانون مطرح شد (بن خوجه، ۱۹۸۶: ۱۵۷). البته این قانون نامه فاقد قانونی درباره زنان و حقوق آنان بود. نخستین آواهای فمینیستی در تونس از زمان استعمار فرانسه آغاز شد.

در این زمان (۱۸۸۱-۱۹۵۶م) در پی گسترش جریان اصلاح طلبی دینی در منطقه و تعاملات علمای تونس و مصر، جریان نوگرایی اسلامی گفتمان غالب در تونس شد. این مدل از نوگرایی که از آن به «نوگرایی اسلامی» یاد می شود، خواهان مدرنیته ای همسو با فرهنگ اسلامی بود و به بازتعریف مفاهیم دینی نظر داشت (میرزایی، ۱۳۹۹: ۱۰۷). علمای اصلاح طلب زیتونه از جنبش اصلاح طلبی دینی استقبال کردند و از نخستین مدافعان حقوق زن در تونس بودند. در این دوره برای نخستین بار طاهر الحداد (۱۸۹۹-۱۹۳۵م) از اندیشمندان نوگرای جامع زیتونه،^۳ به نگارش کتابی با عنوان *امراتنا فی الشریعة و المجتمع* درباره زنان اقدام کرد. او در این کتاب موضوعاتی چون جواز تعدد زوجات، دسترسی آسان مردان به طلاق، آموزش، حجاب و اشتغال زنان را مورد توجه قرار داد و در چالشی جدی با علمای سنت گرا قرار گرفت. سنت گرایان که در پی جریان مدرنیته، موقعیت و مرجعیت فکری و اجتماعی خود را در خطر می دیدند، به مقابله با دیدگاه های حداد پرداختند و حتی او را از حقوق شهروندی محروم کردند. پس از وی متفکران و زنان روشنفکری پا به عرصه گذاشتند که به طور جدی به موضوع زنان پرداختند. از این زمان به بعد زنان تونس شاهد افزایش سطح سواد، تأسیس مدارس دخترانه، شکل گیری اتحادیه ها و مطبوعات خاص زنان بودند و در سال های نزدیک به استقلال (۱۹۵۶م) زنان به طور گسترده ای در تحولات جامعه تونس سهیم شدند. این جریان در دوره استقلال با اقدامات «حبیب بورقبیه» رئیس جمهور (۱۹۰۳-۲۰۰۰م) هرچه بیشتر سیاست زده و غرب گرایانه شد. در دوره بورقبیه زنان به شکل بی سابقه ای از

۱. خیرالدین تونسلی از جمله نوگرایان و سیاستمداران تونس بود که در جریان نوسازی تونس نقش تأثیرگذاری در تحولات نوین سیاسی، اداری و فرهنگی داشت (ن.ک. به: التونسی، ۲۰۱۲: ۴۰-۶۰).

۲. ابوالعباس احمدبن ابی الضیاف از دیوانسالاران دربار بای های تونس بود و در سمت هایی چون منصب قضاء، وزارت، دیوان انشاء و قائم مقامی فعالیت کرد. سفرهای متعدد وی به استانبول و پاریس در سال ۱۸۳۰ و ۱۸۴۶م. باعث آگاهی وی از نظام های سیاسی جوامع متعدد و آشنایی با نقاط ضعف و قوت حکومت بای های حسینی شد (ابن ابی الضیاف، ۱۹۹۹: ۴۸/۱).

۳. بعد از فتح آفریقه توسط عبیدالله بن حجاج در سال ۱۱۴ق، مسجد زیتونه نیز احداث شد (ابن عداری، ۱۹۴۸: ۵۱/۱) و طی قرون متمادی یکی از مهم ترین مراکز تعلیم علوم اسلامی در شمال آفریقا شد. این مرکز در دوره استعمار فرانسه (۱۸۸۱-۱۹۵۶م) مهم ترین کانون جنبش های سیاسی و فرهنگی بود.

امتیازات و حقوق اجتماعی بهره‌مند شدند که موقعیت آنها را در منطقه برجسته کرد. امروزه نیز زنان تونس در میان کشورهای اسلامی از سطح بالایی از امتیازات اجتماعی برخوردارند. نقش و تأثیر زنان در تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع در حال توسعه اسلامی در دهه‌های اخیر، مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. با توجه به اینکه جنبش زنان در تونس جریان رو به رشد بوده و زنان تونس در مقایسه با زنان سایر جوامع اسلامی در عرصه اجتماعی و سیاسی جامعه تأثیرگذار بودند، بررسی زمینه‌ها و دستاوردهای جنبش زنان تونس در نخستین مرحله آن (طی سال‌های ۱۸۸۱-۱۹۵۶م) پژوهش‌های بیشتری را می‌طلبد. تاکنون تحقیقات متعددی در حوزه مطالعات زنان در سرزمین‌های اسلامی به‌خصوص مصر و عثمانی صورت گرفته است، اما در مورد تونس پژوهش‌های جامع‌تری احساس می‌شود. از این رو، نگارنده با شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع مستند تاریخی به مطالعه وضعیت زنان در دوره استعمار (۱۸۸۱-۱۹۵۶م)، بررسی زمینه‌های مؤثر در شکل‌گیری جنبش زنان، معرفی چهره‌های برجسته فمینیست در تونس، چالش میان سنت‌گرایان و نوگرایان و نتایج این تحولات پرداخته‌اند. در ادامه، برخی از پژوهش‌های مربوط به زنان تونس معرفی شده است.

مقاله «نقش زنان در تحولات خاورمیانه؛ مطالعه موردی تونس و مصر» نوشته نسرين مصفا و منور میرزایی (۱۳۹۳)، به بررسی نقش زنان و سهم آنان در تحولات سیاسی، اجتماعی جامعه تونس پرداخته شده است. نگارندگان بر این باورند که این مشارکت با وجود تغییرات اساسی در حقوق زنان چشمگیر نبوده و علت آن حاکم بودن همان نگاه سنتی به زنان و تداوم ساختار مبتنی بر مردسالاری است. در مقاله دیگری با عنوان «روند سیاسی شدن مسئله جنسیت در تونس و اثرات آن بر انقلاب ۲۰۱۱ تونس» (محبوبه پاک‌نیا و بهرنگ طاهری، ۱۳۹۵) نویسندگان به بررسی انگیزه حکومت از برقراری سیاست برابری جنسیتی و نقش زنان و مطالبات آنها در انقلاب ۲۰۱۱م. تونس پرداخته‌اند. همچنین «منیره چاراد» از حامیان حقوق زنان در تونس مقالات متعددی درباره زنان نوشته است. او در مقاله «Family law reforms in the arab world: tunisia and morocco» (۲۰۱۲م) به مطالعه تطبیقی اصلاحاتی که در حوزه نظام حقوق زن در دو کشور تونس و مراکش صورت گرفته، پرداخته و وضعیت تونس را مترقی‌تر توصیف کرده و آینده این جریان را نیز روشن‌تر برآورد کرده است. خانم «بدری بلقیس» از زنان فمینیست سودانی در سال ۲۰۱۷م کتابی با عنوان *Womans Activitism in Africa* نگاشت و در انتشارات مادیسون^۱ به چاپ رساند. او در این کتاب به بررسی وضعیت زنان در کشورهای آفریقایی از جمله تونس پرداخت. وی با رویکرد

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء^(س)، سال ۳۱، شماره ۵۰، تابستان ۱۴۰۰ / ۱۴۵

جامعه‌شناسانه به ریشه‌یابی علل عقب‌ماندگی زنان با وجود اصلاحاتی که در حقوق آنان صورت گرفته، پرداخته است. خانم «لیلیا العیبدی» متفکر تونسی نیز در کتاب *جندور الحریکه النسائیة بتونس* (۱۹۹۰: انتشارات دار النشر بتونس) به معرفی چهره‌های برجسته فمینیست در تونس و جنبش‌های اجتماعی آنها پرداخته است.

آ. پیشینه توجه به حقوق زنان

مسئله زن در مرحله پیش از استعمار به‌طور خاص مورد توجه نوگرایان قرار نگرفت و اگر هم سخنی از زنان به میان می‌آمد، به شکل عمومی از زن سخن گفته می‌شد و بیشتر هم زنان خانواده‌های ثروتمند شهری طبقه بالا و متوسط مد نظر بودند؛ زیرا بیشتر زنان مسلمان آن زمان را زنان روستایی با پایگاه اجتماعی و طبقات پایین تشکیل می‌دادند. در مجموع، می‌توان گفت در قرن نوزدهم در خطه شمال آفریقا هرچند در پی تمدن‌گرایی و نوگرایی بودند، نگاه به زن همان نگاه سنتی تاریخی بود. در این نگاه، نظام اجتماعی هرمی بود که در سطح بالاتر آن مرد، سپس زن، برده، کنیز، طفل و معجون قرار داشتند. همچنین خاستگاه نظری و عملی این رویکرد ریشه در دیدگاه فقهی اسلام داشت که اساساً متوجه شهرها بود؛ یعنی فقه شهری که به روستاها توجه نداشت؛ زیرا در روستا رؤسای عشایر و قبایل طبق عرف عمل می‌کردند و در این حوزه جغرافیایی حساسیتی نسبت به برخی مسائل مثل پوشش زن و یا خروج از منزل وجود نداشت (الشرفی، ۱۳۸۳: ۱۸۷).

با اینکه متفکران این دوره از وضعیت زنان جوامع مدرن آن زمان آگاه بودند، اما درباره حقوق زنان اقدامات خاصی انجام ندادند. زنان در جوامعی چون مصر و عثمانی که پیشتر از تونس با مدرنیته آشنا شده بودند، در فعالیت‌های اجتماعی آزادی عمل بیشتری داشتند. محمد السنوسی (۱۸۵۱-۱۹۰۰م) متفکر تونسی، در *سفرنامه* خود (تألیف ۱۸۸۶م) در گزارش مشاهداتش از بازار استانبول گفته است زنان ترک آزادانه در بازار استانبول در کنار مردان به خرید مایحتاج خود مشغول‌اند، آنها نقاب به چهره ندارند و از دخانیات و مشروبات نیز استفاده می‌کنند. اینان رفتاری مشابه زنان رومی دارند (السنوسی، [بی‌تا]: ۱۰۰). خیرالدین تونسی وزیر در سال ۱۸۷۷م. در کمیته‌ای که درباره اهمیت تعلیم و تربیت به عنوان مهم‌ترین ابزار رشد و توسعه در جامعه تشکیل داد، بر ضرورت حضور دختران در مدارس و آموزش آنان تأکید کرد (عبدالوهاب، ۱۳۵۳: ۱۰۷). البته اقدامی در این زمینه صورت نگرفت.

در این مرحله، نظام آموزشی با تحولات گسترده‌ای روبه‌رو شد و مدارس، شیوه‌ها و مواد آموزشی همگی مدرن شدند، اما مدرسه‌ای خاص دختران وجود نداشت و آموزش دختران

مبتنی بر همان شیوه‌های سنتی بود. ابن‌ابی‌الضیاف متفکر و سیاستمدار دربار بای‌های حسینی تونس گفته است اساتیدی وجود داشتند که به دختران نیز آموزش می‌دادند. وی از فردی به نام شیخ احمد بن عبدالله السوسی^۱ یاد کرده که به محصلان دختر قرآن، تصوف، فقه و ادب می‌آموخت و پدرش شیخ الحاج بن بالضیاف بن عمر (متوفای ۱۸۳۸م) نیز برای دختران خطبه می‌گفت (ابن‌ابی‌الضیاف، ۱۹۹۹: ۲۲/۷). آموزش دختران به تصریح ابن‌ابی‌الضیاف شامل موضوعاتی چون آموزش کتاب‌های عقاید، قرآن، فقه، ادب و تصوف بود. وی خود محصلان دختری داشت که به آنها این درس را آموزش می‌داد. همچنین در این دوره و پیش از آن، دختران تونسی در سنین سیزده و چهارده سالگی توسط زنان معلم، قرآن و نیز فنون خیاطی را می‌آموختند و اغلب توسط پدران‌شان فضایل اسلامی را فرا می‌گرفتند (همو، ۱۹۹۹: ۱۰۶/۷-۱۰۷).

یکی از نمونه‌های دیدگاه سنتی درباره حقوق زنان، رساله احمد بن‌ابی‌الضیاف فی المرأة است. این رساله به خوبی نمایانگر استمرار نگاه سنتی است که تا این زمان در بیشتر کشورهای اسلامی حاکم بود. در واقع، رساله المرأة پاسخ ابن‌ابی‌الضیاف به ۲۱ سؤال «لئون روش»^۲ یکی از سران فرانسه، درباره وضعیت زنان مسلمان است. سؤالات وی درباره زن مسلمان شامل زمینه‌های مختلف فقهی، حقوقی، سیاسی و اجتماعی است. ابن‌ابی‌الضیاف گفته است زن مغربی در کنج خانه نشسته است و در زمینه رعایت حقوقش تابع احکام دین است. غالباً آموزش او از قرائت و کتابت و فراگیری امور زنانه‌ای چون خیاطی و گل‌دوزی فراتر نمی‌رود، فراگیری علم و دانش برای آنان ضروری نیست؛ زیرا مسئولیت‌های خطیر جامعه مثل امامت، رهبری، قضاوت و نیز نگهداری از مرزها برعهده مردان است و وظیفه زن تدبیر امور منزل است (الشنوفی، ۱۸۶۸: ۴۹-۱۱۲). این نخستین بار بود که به شکل صریح و مستقیم به موضوع زنان پرداخته شد. او در این رساله به دفاع از موقعیت زنان در جامعه آن روز پرداخت. در مجموع، دیدگاه‌های او محافظه‌کارانه است و نشان‌چندانی از نواندیشی در این حوزه ندارد (Cicek, 2006: 13). با این حال، می‌توان نگارش رساله‌ای در مورد زنان و طرح مسئله زن - هرچند با رویکردی محافظه‌کارانه - را حرکتی رو به جلو در نیمه قرن نوزده میلادی قلمداد کرد.

۱. منسوب به شهر سوسه.

ب. عوامل مؤثر در اصلاح موقعیت اجتماعی زنان

۱. استعمار فرانسه و تأسیس مدارس دخترانه

فرانسه در راستای انگیزه‌های استعماری خود در الجزایر، اقدام به اشغال نظامی تونس در سال ۱۸۸۱م. کرد و طی دو قرارداد «باردو» و «المرسی»^۱ تمام بخش‌های کشور تحت سلطه رژیم فرانسه درآمد و حاکم تونس بدون اجازه فرانسویان حق هیچ‌گونه تصمیم‌گیری در امور داخلی و خارجی را نداشت. تعلیم و تربیت یکی از ابزارهای مهم فرانسه برای اجرای طرح‌های استعماری بود. بر همین اساس، دولت فرانسه در همان نخستین سال‌های استعمار با ایجاد اداره آموزش همگانی، نظام آموزشی دولتی را در تونس برقرار کرد. در این دوره برای نخستین بار مدارس دخترانه‌ای تأسیس شد که علوم جدید به زبان فرانسوی تدریس می‌شد و دانش‌آموزان بدون در نظر گرفتن نژاد (تونسی یا اروپایی) و مذهب (یهودی، مسیحی، مسلمان) در شرایط یکسان و رایگان آموزش می‌دیدند (قصاب، ۱۹۸۶: ۳۲۰) و در اقدامی بی‌سابقه مؤسسات تربیت معلم به‌خصوص برای زنان (ماکن، [بی‌تا]: ۶۴) شکل گرفت.

آنچه در اینجا حائز اهمیت است، بحث آموزش زنان است. در دوره استعمار برای نخستین بار مدرسی ویژه آموزش دختران دایر شد. اولین مدرسه دخترانه دو دهه پس از آغاز تحت‌الحمایگی و در سال ۱۹۰۰م. تأسیس شد. این مدرسه اروپایی برای دختران مسلمان توسط همسر یکی از ژنرال‌های فرانسوی مقیم تونس تأسیس شد. مدارس تأسیس شده توسط فرانسویان در شهرهای مختلف تونس از جمله سوسه، قیروان، منستیر و صفاقس گسترش پیدا کردند که ابتدا با مقاومت برخی افراد سنت‌گرا روبه‌رو شدند. در این مدارس دختران تونسی با زبان و فرهنگ فرانسوی آشنا می‌شدند. تاریخ و جغرافیای فرانسه جایگزین تاریخ و جغرافیای تونس و بلاد اسلامی شده بود. همچنین تعدادی مدرسه فنی برای دختران احداث شد. برنامه درسی این مدارس شامل اخلاق، قرائت، محفوظات و حساب و نیز دانش‌هایی مربوط به شغل‌های خانگی، تربیت فرزند، گل‌دوزی، خیاطی و موضوعاتی از این قبیل بود. در سال ۱۹۲۰م. هزار دانش‌آموز دختر در سراسر تونس مشغول به تحصیل بودند که از این میان دویست دختر در مدارس فنی (صنعتی) مشغول به تحصیل بودند که اغلب از خانواده‌های شهری و اعیانی پایتخت بودند (قصاب، ۱۹۸۶: ۳۰۳). مدرسه ابتدایی دخترانه «پول کامبون»^۲ (تأسیس ۱۸۹۸)، مدرسه «ارمون فالنار»^۳ (۱۹۱۵) و «ژول فری»^۱ (۱۹۱۴) از جمله مدارس

۱. قرارداد باردو و المرسی منسوب به شهرهای تونس، به ترتیب در سال‌های ۱۸۸۱ و ۱۸۸۳م. از سوی دولت فرانسه بر تونس تحمیل شد (ثامر، ۱۹۴۸: ۲۹-۳۰).

2. Paul Cambon
3. Jules Ferry

۱۴۸ / جنبش زنان در تونس: از شکل‌گیری رویکرد اسلامی تا پیدایش دیدگاه سکولاریستی... / زهرا میرزایی

دخترانه بودند. در سال ۱۹۲۰م. نیز دارالمعلمات برای تربیت معلمان زن احداث شد (همو، ۱۹۸۶: ۳۳۰). خانواده‌های سنتی معتقد بودند این مدارس فاقد روح دینی هستند و اخلاق دختران تونسی را فاسد می‌کند. آنها در کلاس‌های درس خود، تحت تعلیم معلمان زنی بودند که حجابشان مغایر با حجاب زنان مسلمان بود. همین امر موجب مخالفت علما و امتناع خانواده‌های تونسی از تحصیل دخترانشان در این مدارس شد. شیخ عبدالعزیز ثعالبی در این باره معتقد بود زن همچون ستون خانواده و جامعه است. تن دادن به چنین چیزی (فرستادن دختران به مدارس فرانسوی) انتحار به دست خویشتن است (الثعالبی، ۱۹۷۵: ۶۱).

این دیدگاه بیش از هر چیز از نگاه خصمانه مردم نسبت به غرب و استعمار و ترس از دست دادن فرهنگ اسلامی و بومی ناشی می‌شد. این نگرش همچنین نسبت به سایر مؤسسات آموزشی که فرانسه احداث کرده بود، وجود داشت. ثعالبی بر این باور بود که فرانسویان در دل‌های فرزندان مسلمان بذر حقارت می‌کارند و در عقول آنها مطالبی فاقد معنا و مفهوم منتقل می‌کنند که آنها را به انحراف می‌کشاند (الثعالبی، ۱۹۷۵: ۶۵). با این اوصاف، تا سال ۱۹۵۶م. بیش از ۹۰٪ زنان بی‌سواد بودند (منصور رجب، ۱۳۸۴: ۱۳۶). تعلیم و تربیت دختران در نظام آموزشی جدید با استقبال کمی روبه‌رو شد، اما از همین دوران بود که آموزش دختران به‌طور رسمی در مدارس خصوصی (با حمایت علمای نوگرا) و مدارس دولتی (با نظارت رژیم فرانسه) صورت گرفت.

۲. نقش نوگرایان و حمایت از آموزش زنان

رویارویی با استعمار فرانسه و سلطه نظامی و فکری آن، چهره فرانسه را به عنوان کشور مدرن و الگوی توسعه و رشد، در نظر تونسی‌ها در هم شکست. علاوه بر این، متفکران نوگرای تونس تحت تأثیر جریان اصلاح‌طلبی دینی که از مصر آغاز شده و سراسر مغرب عربی را درنوردیده بود، با رویکردی انتقادی نسبت به غرب و مدرنیته آن نگریستند.

چنان‌که گفته شد، در این دوره مدارس دخترانه‌ای در تونس احداث شدند که با سنت‌های موجود در تونس منافات داشت. برخی از این مدارس مختلط (حضور همزمان دانش‌آموزان دختر و پسر) بودند و معلمان زن با پوشش غیراسلامی در مدرسه حاضر می‌شدند. محتوای آموزشی نیز نسخه کپی‌شده‌ای از نظام آموزشی فرانسه بود. از این رو، توجه به آموزش دختران نخستین واکنش علمای نوگرای تونس در این برهه بود.

۲-۱. نقش جمعیت خلدونیه

شعار «آموزش زنان» برای نخستین بار از سوی جمعیت «خلدونیه»^۱ مطرح شد. بشیر صفر (۱۸۶۵-۱۹۱۷) از بنیان‌گذاران مدرسه خلدونیه، از جمله حامیان آموزش زنان بود. آشنایی بشیر صفر با «نازلی فاضل هانم (خانم)» زن روشنفکر مصری (۱۸۵۳-۱۹۱۴م)، در پیدایش چنین تصمیمی بی‌تأثیر نبود.

نازلی فاضل که در دیدگاه‌های قاسم امین (۱۸۶۳-۱۹۰۸)^۲ در حوزه مسائل زنان تأثیرگذار بود، طی سال‌های زندگی خود در فرانسه، با اصلاح‌طلبان تونس آشنای شد. وی در سال ۱۸۹۶م. به تونس سفر کرد و از سوی اعضای خلدونیه رئیس افتخاری جمعیت شد. انتخاب یک زن در مقام ریاست یک مجموعه فرهنگی، برای زنان تونس می‌توانست تحسین‌برانگیز باشد. تحت تأثیر تشویق‌های نازلی فاضل، بشیر صفر در سفری همراه با وی از مدارس مصر که زودتر از تونس با موضوع آموزش زنان آشنا شده بودند، دیدن کرد و بعد از بازگشت از مصر، نخستین مدرسه دخترانه را در تونس تأسیس کرد (محمد کرو، [بی‌تا]: ۱۹۱-۱۹۲). همچنین وی در کنفرانس آفریقای شمالی (سال ۱۹۰۸م) در پاریس، به ایراد سخنرانی با عنوان «تعلیم بنت المسلمة» پرداخت و در آن ضرورت احداث مدارس برای دختران مسلمان تونس مشابه مدارس موجود در ترکیه و مصر را مطرح کرد و بر تدریس تمام مواد آموزشی به زبان عربی تأکید و اذعان کرد که این دختران، مادران فرداوند که زبان قومی را در نفوس اطفال خود می‌کارند (زمرلی، ۱۹۸۶: ۱۴). حمایت از زنان و آموزش آنان بدین‌جا ختم نشد.

محمد صالح النیفر (۱۹۰۲-۱۹۹۲) از استادان زیتونه و همسرش سعاد النیفر، در سال ۱۹۴۷م. سه مدرسه دخترانه یکی در «باب الإنارة»، یکی در «باب الخضر» و دیگری در شهر سوسه برای دختران تأسیس کردند. آنها همچنین مدرسه‌ای برای تربیت معلمان ایجاد کردند. در سال ۱۹۵۲م، محمد فاضل بن عاشور (۱۸۷۹-۱۹۷۳) که ریاست جامع زیتونه را برعهده داشت، شعبه دخترانه زیتونه را راه‌اندازی کرد و محمد صالح النیفر مدیر بخش دختران جامع زیتونه شد. وی در همان زمان درخواست تأسیس مجله‌ای برای زنان تونس کرد که از سوی حاکم وقت موافقت نشد (زرکلی، ۲۰۰۲: ۳۰۰/۲). ماهنامه «نساء التونسیات» به زبان فرانسوی،

۱. گروهی از نوگرایان که در مدرسه مدرن صادقیه (منسوب به محمدصادق بای) تحصیل کرده بودند، اقدام به راه‌اندازی جمعیت خلدونیه (منسوب به ابن خلدون) کردند و مدرسه نوین خلدونیه را در راستای نوسازی نظام آموزشی تأسیس کردند (SAYADI, 1976: 10/924).

۲. قاسم امین از جمله نوگرایان و روشنفکران مصری بود که با نگارش *تحریر المرأة و المرأة الجدیة* به دفاع از زنان و حقوق آنها پرداخت.

۱۵۰ / جنبش زنان در تونس: از شکل‌گیری رویکرد اسلامی تا پیدایش دیدگاه سکولاریستی... / زهرا میرزایی

دیگر نشریه‌ای بود که با مشارکت زنان تونس و فرانسوی (شارلوت جولان^۱) و زنی یهودی به نام «قلادیس عدّه» چاپ می‌شد و زنان تونس از جمله حفیظه دراج، شریفه سعداوی و زهره بن سلیمان از جمله نویسندگان آن بودند (Badri, 2017: 126-127). شعبه زنان «جمعية الشبان المسلمین» و «نادی الفتاة الاسلامیة» در سال ۱۹۵۴م. با هدف دفاع از حقوق زنان و نیز مبارزه با گسترش فسادهای اخلاقی ناشی از جنگ شکل گرفتند. نتیجه فعالیت‌های این دو نهاد، ایجاد مدرسه دخترانه در المرسی و حمام الأنف از شهرهای تونس و نیز یک مدرسه حفظ قرآن بود. توحیده فرحات، زینب الورتانی و فاطمه بن علی از زنان فعال آن بودند. مجله «الهام» از جمله مجلات خاص زنان بود که از سوی این باشگاه (نادی الفتاة الاسلامیة) راه‌اندازی شد. البته همچنان درصد بالایی از زنان بی‌سواد بودند (ضیف‌الله، ۱۹۹۵: ۱۴۰).

در این دوره در سرزمین‌های اسلامی نگاه به زن در سنت و فقه اسلامی، جواز تعدد زوجات، دسترسی آسان مردان به طلاق و نیز موضوعاتی چون آموزش، حجاب و اشتغال مورد توجه قرار گرفت. موضوع زن نخستین بار در نوشته‌های روشنفکران مصر و ترکیه مطرح شد و این موضوع با مباحث دیگری همچون ناسیونالیسم، ترقی ملی، اصلاح سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که این روشنفکران برای جامعه بسیار مهم می‌پنداشتند، درآمیخت. در تونس نیز یکی از علمای نوگرای زیتونه به نام طاهر الحداد (۱۸۹۹-۱۹۳۵م) با نگارش کتاب *امراتنا فی الشریعة و المجتمع*، برای نخستین بار به حمایت از زنان پرداخت و بسیاری از قوانین و فرهنگ مردسالارانه را به چالش کشید.

۲-۲. نقش طاهر الحداد (۱۸۹۹-۱۹۳۵م) و کتاب *امراتنا فی المجتمع و الشریعة*

طاهر الحداد متفکر تونس، تحصیلات دینی خود را در تونس گذراند. او از نمایندگان نسل جدید نوگرایان در تونس بود که به بازتعریف مفاهیم دینی نظر داشتند و معتقد بودند اسلام تمام ظرفیت‌های لازم برای نوسازی و اصلاح جامعه را داراست. او در طرح آرا و نظریات خود در زمینه اصلاحات اجتماعی و اقتصادی، ضمن توجه به منابع اسلامی، به همراهی و همگامی با مقتضیات زمان معتقد بود.

الحداد از سویی گرایش‌های ملی‌گرایانه، عدالت‌خواهانه و دشمنی با استعمار اقتصادی و فرهنگی داشت و از سوی دیگر، خواهان استفاده کشورهای اسلامی از پیشرفت‌های جدید تمدن غربی بدون از دست دادن هویت ملی و مذهبی این جوامع بود. اقدام برجسته و تأثیرگذار وی یکی دفاع همه‌جانبه از حقوق زن در جامعه اسلامی به‌طور عام و در تونس به

1. Charlotte Golan

طور خاص و دیگری ایجاد نخستین جمعیت همکاری اقتصادی در تونس بود. وی دیدگاه‌های اسلامی را به تحولات جدید تمدن اروپایی پیوند زد و با آن مقایسه کرد (ابوزید، ۲۰۰۴: ۷۱). او در مقدمه کتاب *امراتنا* نوشته است، قرآن احکام خود را به روش نگارش کتاب، تبویب نکرده است و از این رو، شریعتش نتیجه‌تطور در زندگی است، نه آنکه فصولی باشد از پیش تعیین شده که باید بر زندگی تحمیل شود و این از مهم‌ترین عوامل انتشار آن در زمان کوتاه بود. حداد بر تفکیک میان ذاتی و عرضی در اسلام تأکید می‌ورزید و احکام را که از جمله عرضیات به شمار می‌رود، تابع شرایطی می‌دانست که بایستی بر مبنای آن تغییر یابد (الحداد، ۱۹۹۹: ۱۱).

الحداد برای مرتبط کردن مسلمانان به فرایند تجدد، میان آنچه که اسلام بیان کرده و آنچه که بدان سبب آمده، تفاوت قائل شده و گفته است آنچه که اسلام آورده، متعلق به وضعیت جاهلیت است. از این رو، احکامی که وضع کرده، اقرار به آن وضعیت است و آن را تعدیل می‌کند. تا زمانی که آن وضعیت باقی بماند، باقی است، اما با از بین رفتن شرایط آن زمان، احکام آن نیز از بین می‌رود. بدین ترتیب، با از بین رفتن احکامی که در زمان جاهلیت و صدر اسلام آمده است، به اسلام ضرری نمی‌رسد. مسائلی چون بردگی، چند همسرگزینی مردان و مواردی از این قبیل از نظر او چنین‌اند (همو، ۱۹۹۹: ۱۳-۱۴). از دیگر سو، وی برای زنان به عنوان نیم دیگر جامعه برای رشد و توسعه جامعه، با مشاهده اوضاع رقت‌بار کارگران تونسی در دوره سلطه استعماری فرانسه، به همراه دوست و همکار خود محمدعلی حامی (حنبه)، اقدام به ایجاد نخستین جمعیت همکاری اقتصادی تونس (جمعیه التعاون الاقتصادي التونسي) کرد که به «جامعه کارگران تونس» (جامعة عموم العمالة التونسية) معروف شد (التیمومی، ۱۹۹۹: ۱۹۶/۲). او کتاب *العمال التونسيون و ظهور الحركة النقابية* (کارگران تونسی و پیدایش جنبش سندیکایی) را در ۱۹۲۷م. منتشر کرد و در آن به بررسی تاریخچه تأسیس جمعیت و دلایل ناکامی و سرکوبی آن پرداخت. دغدغه‌های اقتصادی وی در دیدگاه‌های فمینیستی وی نیز تأثیر گذاشته بود.

دیدگاه‌های الحداد درباره زنان را می‌توان در کتاب وی *امراتنا فی الشريعة و المجتمع* جست. او همچون معاصرانش طهطاوی و عبده، در موضوعاتی نظیر حجاب، تعدد زوجات، طلاق، مساوات زن و مرد و آموزش زنان، به اقامه ادله عقلی و نقلی برخاست که از نیازمندی‌های جدید جامعه و ارتباط با غرب نشأت می‌گرفت. ویژگی این متفکران این بود که آرای خود را صرفاً از نگاه غرب ترویج نمی‌کردند، بلکه غرب آنان را واداشت تا در میراث دینی و فرهنگی خود بازبینی کنند و به معارضه با سنت‌گرایان که به ظاهر نصوص پایبند بودند

۱۵۲ / جنبش زنان در تونس: از شکل‌گیری رویکرد اسلامی تا پیدایش دیدگاه سکولاریستی... / زهرا میرزایی

و مقتضیات زمان را در نظر نمی‌گرفتند، برخیزند. آموزش دختران می‌توانست سازمان اجتماعی سنتی را بر هم زند و ارزش‌های موروثی را دگرگون سازد تا مسلمانان بتوانند در تمدن مادی غرب با آن همراه شوند (الشرفی، ۱۳۸۳: ۱۸۹). الحداد در این باره می‌گفت طبیعت شمال آفریقا و به‌طور کل کشورهای عربی به گونه‌ای است که از آموزش زن گریزان‌اند و این به سبب ترس از آزادی زن بوده است که اگر این دیدگاه نبود، آموزش زن به تأخیر نمی‌افتاد.

توجه بیش از حد به حجاب زنان نیز مانع دیگری بر سر راه بوده است (الحداد، ۱۹۹۹: ۱۱۸). او معتقد بود زن و مرد هر دو به یک اندازه حق آموزش دارند. از نظر او، زن فاصله زنی است که زبان و تاریخ قوم خود و نیز اصول دینش را به خوبی بداند و علوم طبیعی و ریاضیات را فرا بگیرد. زن مسلمان به اندازه مرد حق دارد که ورزش را در زندگی خود بگنجانند تا جسم و روح سالمی داشته باشد؛ زیرا او جنس مؤکد است. شعر و موسیقی و نگارگری روح زن را تقویت می‌کند و امید به حیات را در او فزونی می‌بخشد. زن اروپایی با داشتن چنین خصوصیتی در جامعه مدرن اروپا زندگی می‌کند. همین موضوع باعث شده است مردان تونسی که در غرب تحصیل می‌کنند، زنان اروپایی را به دلیل داشتن چنین ویژگی‌هایی به خود نزدیک ببینند و به همین دلیل ازدواج با زنان اجنبی در میان جوانان تحصیل کرده افزایش یافته است (همو، ۱۹۹۹: ۱۳۲-۱۳۴).

توسعه اقتصادی و مادی یکی از ارزش‌های محوری بود که حامیان آزادی زن را وادار می‌داشت تا زنان را به تولید فرا خوانند و عضو بیکار در جامعه نباشند. بی‌شک الحداد نیز بر این ارزش توجه داشته است. او و محمدعلی حنبه (۱۸۹۰-۱۹۲۸م) در راه‌اندازی تعاونی‌های ملی و شکل‌گیری نخستین اتحادیه کارگری در تونس مشارکت داشتند. او فقر را ریشه اصلی بیماری‌های اجتماعی می‌دانست که به خانواده و جامعه آسیب می‌رساند. او می‌گفت نمی‌توان از این وضعیت خارج شد مگر با آموزش زنان و آن هم با برنامه‌ریزی‌های آموزشی مناسب، با نقش عمرانی و اجتماعی زنان (همو، ۱۹۹۹: ۱۴۶). از نظر حداد زنان حق دارند که برخی صنایع و حرف را فرا گیرند تا ضمن اینکه در امر معیشت به همسرانشان کمک می‌کنند، در صورت از دست دادن همسر و سرپرست، توانایی تأمین نیازهای خود و فرزندانشان را داشته باشند؛ همچون زنان اروپایی که در پیشرفت و مجد جامعه خود سهیم‌اند (همو، ۱۹۹۹: ۱۳۴). این مسئله سبب شد مرکز اصلی توجه به زن از شئون دینی و فقهی به سوی پیشرفت‌های اقتصادی متحول شود و اصلاح‌طلبان به نقض ادله کسانی پرداختند که زن را از نگاه غریبه دور می‌داشت و اجازه اختلاط با مردان را به وی نمی‌داد و آموزش زنان را تنها در مسائل دینی و تدبیر منزل خلاصه می‌کردند. او به سامان دادن وضعیت اقتصادی تونس نیز نظر

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء^(س)، سال ۳۱، شماره ۵۰، تابستان ۱۴۰۰ / ۱۵۳

داشت و در کتاب *العمال التونسيون و ظهور الحركة النقابية* گفته است امتی که نیمی از آن بیکار باشد، به رستگاری نمی‌رسد و نمی‌توان از این وضعیت خارج شد مگر با برنامه‌ریزی‌های مناسب و با نقش عمرانی و اجتماعی زنان در میان امت (الحداد، ۱۹۷۲: ۱۷۶). آنچه که وی را به دفاع از حقوق زنان وا داشته، توسعه اقتصاد جامعه و به شرایطی بود که نوشته‌اش در آن تدوین شده بود؛ یعنی شرایط جنبش عمومی و رهایی از فقر و استعمار.

۳. نقش اتحادیه زنان در پیگیری مطالبات زنان

تشکیل اتحادیه‌ها و روزنامه‌ها و مجلات وابسته به آنها توسط زنان و مردان فرهیخته، از جمله تحولات جدیدی بود که در این دوره شکل گرفت. این اتحادیه‌ها در ابتدا به صورت مؤسسات خیریه‌ای بودند که با انگیزه کمک‌های مادی به فقرا و نیز دانش‌آموزان و دانشجویان مستمند شکل گرفتند، اما در کنار آن به بیداری زنان نیز می‌پرداختند و آنها را از حقوق خودشان آگاه می‌کردند. علم‌آموزی و ارتقای سطح فکری و شأن اجتماعی از دیگر موضوعات مورد تأکید بود.

دهه سی سده بیستم میلادی آغاز مشارکت سیاسی زنان و تشکیل نخستین اتحادیه زنان در تونس بود. در سال ۱۹۳۲م. *جمعية النساء التونسيات* با هدف انجام امور خیریه و نیز بهبود شرایط زنان تشکیل شد. اعضای تشکیل دهنده جمعیت از میان زنان شهری، زنان طبقات بالای جامعه و نیز شاهزاده‌خانم‌ها بودند. از جمله آنها دختران «محمدصالح بن مراد» شیخ‌الاسلام مالکی زیتونه یعنی بشیره، نجیبه و حمیده بن مراد و همچنین وسیله بن عمار و فاطمه القلاتی بودند. در سال ۱۹۳۶م. به صورت رسمی جمعیت به اتحادیه تغییر نام داد و ضمن تقاضای مجوز از حکومت وقت که تحت سلطه فرانسه بود، خواستار داشتن مطبوعاتی ویژه زنان شد. این اتحادیه در سال ۱۹۵۲م. موفق به کسب مجوز شد.

محمدصالح بن مراد که در روزنامه «شمس الاسلام» فعالیت می‌کرد، شرایط نشر مقالات زنان را در روزنامه خود فراهم کرد. هدف اتحادیه حمایت از آرمان فلسطین و دانشجویان آفریقای شمالی در حال تحصیل در مؤسسات غربی بود. این اتحادیه در شهرهایی چون الکاف، سوسه، قیروان، تطاوین و نابل شعباتی ایجاد کرد و هر سال در یکی از این شعبات جلسات عمومی برگزار می‌شد (ضیف‌الله، ۱۹۹۵: ۱۳۸). توحیده بن شیخ (۱۹۰۹-۲۰۱۰)^۱ از اعضای اتحادیه موفق شده بود مجله «لیلی» را برای اتحادیه پایه‌گذاری کند. مجله از سال

۱. نخستین زن پزشک تونسی که در فرانسه تحصیل کرد و وقتی به تونس بازگشت، در بیمارستان‌های تونس مشغول به کار شد (شمام، ۲۰۰۱: ۱۰۰).

۱۹۳۶ تا ۱۹۴۲م. چاپ می‌شد و مردان و زنان نویسنده اغلب با نام‌های مستعار برای مجله مقالاتی می‌نوشتند. در سال ۱۹۳۶م. توحیده بن شیخ که به تازگی مدرک پزشکی خود را از پاریس دریافت کرده بود، مجله «لیلی» را تأسیس کرد (Badri, 2017: 126). احمد بن میلاد (۱۹۰۲-۱۹۹۴م) و همسرش نبیبه (۱۹۰۹-۲۰۰۹م) نیز از اعضای فعال اتحادیه بودند که انجمنی برای کمک به خانواده‌های فقیر تشکیل دادند و از طرف دیگر، در حوزه تنظیم خانواده و پیشگیری از بارداری آموزش‌هایی را به زنان تونس می‌دادند. بدره بن مصطفی القروی، نعیمه بن صالح، جلیله بن حمیده مازالی و منجیه بن عزالدین و امیره عایشه از دیگر اعضای اتحادیه بودند (شمام، ۲۰۰۱: ۱۰۰).

بشیره بن مراد (۱۹۱۳-۱۹۹۳) و طاهر الحداد به نقد رویکردهای مردسالارانه (که به‌طور عام غالب بود) می‌پرداختند و در پی ارائه تفسیر و تبیین مناسب از حقوق برابر زنان مبتنی بر قرآن و سنت اسلامی بودند. آنان همچنین درصدد تلاش برای نقد و اصلاح آن دسته از تفاسیر شریعت اسلامی برآمدند که حقوق زنان را نادیده می‌گرفت. بشیره هدف خود از فعالیت در اتحادیه را تربیت دختر تونس در چارچوب اخلاق اسلامی و نیز تأکید بر آموزش و ترویج و رشد فرهنگ عربی-اسلامی در میان زنان می‌دانست (همو، ۲۰۰۱: ۱۱۵). وی در مقاله «حدیثی مع الوردتین»، «المرأة» و «تربیه الاطفال» به موضوعاتی چون طبیعت زن و تفاوت‌های او با مرد، اهمیت تربیت دختران از منظر اسلام و تلاش زنان برای برقراری عدالت اشاره کرده است (بن مراد، ۱۹۴۸: ۲۹). او در سال ۱۹۳۹م. موفق به تأسیس روزنامه «تونس الفتاة» شد. در اولین چاپ و در صفحه نخست روزنامه نوشته شده بود نام این روزنامه بشارت دهنده افزایش شأن زن تونس خواهد بود. بشیره در مقاله‌ای در این روزنامه گفت از مردم می‌خواهم در زمینه رفع موانع رشد علم و دانش و راه‌اندازی مدارس برای دختر تونس بکوشند. زن تونس امروزه به آگاهی دست یافته است و آمادگی فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی را دارد. او همچنین زنان را به مقابله با ظلم و ستم استعمار فرا می‌خواند.

به مرور مطالبات زنان به سطح فعالیت‌های سیاسی نیز کشیده شد. برای نخستین بار زنان تونس از جمله نبیبه بن میلاد در وقایع ۱۹۳۸م^۱ با حمل پلاکاردهایی با موضوع تقاضای پارلمان و دولت مستقل برای تونس، همراه مردان در تظاهرات شرکت کردند و عده‌ای از آنها همچون زکیه و جمیله الفوراتی و شاذلیه بوزقر خواستار آزادی زندانیان سیاسی شدند (ضیف‌الله، ۱۹۹۵: ۱۳۸). یکی دیگر از مسائلی که متفکران این دوره از آن به عنوان معضل

۱. منظور از وقایع سال ۱۹۳۸م، آغاز جریان‌های ناسیونالیستی و مقابله با استبداد داخلی بود (برومند اعلم، ۱۳۹۲:

اجتماعی یاد کرده‌اند، بحث آموزش زنان است. بشیره در این باره گفته است توجه به آموزش زنان در جامعه، محدود به آموزش دانش‌های تقلیدی و سنتی بوده است. در صورتی که اگر زنان تحصیلات عالی داشته باشند، مردان سرزمین ما با زنان بیگانه ازدواج نخواهند کرد. از این رو، تشویق زنان به تحصیل برای حفظ نظام خانواده و تلاش برای آینده تونس ضروری است (بن مراد، ۱۹۵۰: ۱۲-۱۳)؛ چنان‌که حبیب بورقبیه با زنی فرانسوی به نام ماتیلد لوران ازدواج کرد و ثمره ازدواجش پسرش جان بود (العبدی، ۱۹۸۷: ۴۵).

بشیره در کنفرانس دانشجویان شمال آفریقا با حضور جمعی از دانشجویان تونسی، مراکشی و الجزایری در سال ۱۹۲۷م. که در فرانسه برگزار شده بود، این مسئله را مطرح کرد. حبیب ثامر (۱۹۰۹-۱۹۴۹) از روشنفکران تونسی نیز مقاله‌ای با همین مضمون با عنوان «ضرورة محاربة الزواج من اجنبیات مازجاً بین الاخلاق و السياسة» ارائه کرد. وی از این پدیده با عنوان مشکل اجتماعی بزرگی یاد کرد و گفت مرد تحصیل کرده تونسی زن تحصیل کرده و شایسته خود را که از نظر فکری و احساسی به او نزدیک باشد، در جامعه خود نمی‌یابد؛ به همین دلیل به این جنایت بزرگ تن می‌دهد و ثمره آن فرزندانند که از ویژگی‌های قومی به دورند و پدرانشان نیز از خدمتگزاران سرزمینشان نخواهند بود. بعد از این کنفرانس، اتحادیه این مسئله را در مورد دانشجویانی که تحت پوشش دریافت کمک هزینه تحصیلی از سوی اتحادیه بودند، رعایت می‌کرد (همو، ۱۹۸۷: ۴۶). اتحادیه فعالیت‌های خود در حوزه زنان را تا سال ۱۹۵۲م. ادامه داد؛ هرچند که مجوزی دریافت نکرد و هرگز با حزب دستور جدید که حزب ملی‌گرایان به رهبری بورقبیه بود، همراه نشد. بدین ترتیب، حزب بورقبیه که در دهه پنجاه در تونس بلامنازع بود، اتحادیه را منحل کرد و اتحادیه «الاتحاد الوطني للمرأة التونسية» تشکیل شد که خط و مشی ملی‌گرایانه داشت (همو، ۱۹۸۷: ۷).

ج. سنت‌گرایان و مقابله با دیدگاه‌های فمینیستی

سنت‌گرایان با انگیزه‌های مختلفی به مقاومت در برابر جریان مدرنیسم می‌پرداختند. آنها تغییرات جدید را در تعارض با روح شریعت معرفی می‌کردند. یکی از موضوعاتی که در این دوره با چالش بسیاری مواجه شد، بحث زنان بود. علمای سنت‌گرای زیتونه به مقاومت در برابر جریان فمینیسم پرداختند و حامیان حقوق زن را به کفر و زندقه متهم کردند و حتی آنها را از حقوق شهروندی‌شان محروم کردند. در مقابل دیدگاه‌های فمینیستی الحداد برخی از شیوخ سنت‌گرا واکنش نشان دادند و با نگارش کتاب‌هایی به رد دیدگاه‌های الحداد پرداختند. در ادامه، برخی از مهم‌ترین موضوعاتی که این دو گروه را در مقابل یکدیگر قرار داد، اشاره

شده است.

الحداد برجسته‌ترین سخنگوی حقوق زنان در این دوره، کتاب خود را به دو بخش شرعی و اجتماعی تقسیم کرد. بخش شرعی کتاب ناظر به نگرش دینی و قسمت اجتماعی آن با ملاحظه وضعیت زن تونس و مقایسه آن با وضعیت زن اروپایی به نگرارش درآمده بود. اندیشه‌های وی در مورد اعطای حق طلاق به زنان، مساوات کامل میان زن و مرد در تقسیم ارث با وجود نص صریح قرآن، تلاش برای لغو حدود اسلامی در مورد کیفر برخی گناهان معین و جانشین کردن برخی از قوانین حقوق غربی، بررسی مسئله حجاب و جلوگیری از تعدد زوجات، خشم و انزجار بسیاری از جمله علمای زیتونه را برانگیخت و با چالش شدیدی روبه‌رو ساخت. وی دیدگاه‌های اسلامی را به تحولات جدید تمدن اروپایی پیوند زد و با آن مقایسه کرد و از مخاطبان خود خواست که به حقوق زن و برابری او با مردان اعتراف کنند. وی در این باره می‌گفت یا باید زن را رها کنیم تا به همراه جریان تجدد غربی به صورت خودرو و بدون راهنما پیش رود، یا اینکه وضع زندگی‌مان را با ایجاد اصول کاملی برای خیزش زن که در واقع خیزش تمامی ملت اسلامی است، نجات دهیم. بر مسلمانان ضروری است که به تربیت زنان پردازند و حقوق مشروع آنان را آن‌گونه که قرآن تصریح کرده و اسلام می‌خواهد، بپذیرند؛ پیش از آنکه این امر از سوی دیگری یعنی غرب و به شیوه آن صورت بگیرد (الحداد، ۱۹۷۲: ۱۱۵-۱۱۶، ۲۱۳-۲۱۴). الحداد معتقد بود اسلام مسئول سرنوشت آسف‌بار زنان در جامعه اسلامی نیست، بلکه مسلمانان به سبب انکار تحولات اجتماعی و لزوم آشتی شریعت با شرایط نوظهور، باید خود را مسئول این فلاکت بدانند (همو، ۱۹۷۲: ۸-۱۰). چهار ماه پس از کنفرانس «افخاریستی»^۱ که در مه ۱۹۳۰ از سوی دولت فرانسه با حضور شخصیت‌های کلیسا برای ترویج و تبلیغ مسیحیت تشکیل و به بسیاری از مقدسات تونس نیز توهین شد، دیدگاه‌های الحداد مورد توجه قرار گرفت (عبدالوهاب، ۲۰۰۱: ۱۶۷). آرای وی در زمان خود با واکنش تند سنت‌گرایان مواجه شد، ولی زمینه‌ساز طرح حقوق زنان شد و به‌خصوص در حوزه زنان در دوره استقلال تونس (۱۹۵۶م) از سوی نوگرایانی چون حبیب بورقبیه (۱۹۰۳-۲۰۰۰) رهبر حزب الدستور جدید، مورد استقبال قرار گرفت.

موضع‌گیری در برابر چنین دیدگاه‌هایی بیش از هر چیز به سبب حضور استعمار بود. سنت‌گرایان سخن گفتن از آزادی زن مسلمان را نیرنگ استعمار و حيله صلیبیان می‌دانستند که

۱. کنگره الأفخاریستی (Eucharistic congress) در واقع مجموعه کنفرانس‌های مذهبی کاتولیک‌ها بود که در کشورهای مسیحی، اغلب هم در اروپا برگزار می‌شد، اما دولت فرانسه در سال ۱۹۳۰م. این کنفرانس را در تونس (در شهر قرطاج) و الجزایر برگزار کرد (حجّی، ۲۰۰۴: ۱۲۴).

غرب زده‌ها فریفته آن شده‌اند و پیامدهایش را در سست کردن بنیاد نظام خانواده اسلامی و گسترش فساد بر روی زمین و رهایی از ارزش‌های اسلامی درنیافته‌اند (الشرفی، ۱۳۸۳: ۱۸۸). این گروه الحداد و کتابش را دستاویزی در دست استعمار می‌دانستند.

محمدصالح بن مراد (۱۸۸۱-۱۹۷۹) شیخ‌الاسلام حنفی، از تحصیل‌کردگان و اساتید رتبه اول زیتونه و نویسنده مقالاتی برای روزنامه‌های «الزهره» و «شمس الاسلام» با مشی محافظه‌کارانه بود. او در رد دیدگاه‌های طاهر الحداد کتابی با عنوان *الحداد علی إمرأتنا فی المجتمع و الشریعة* نگاشت و در آن الحداد را به زندقه متهم کرد. وی حضور زن در اجتماع را مایه ترویج فحشا و نیز باعث رعب و وحشت وی از هر آنچه که امنیت او را تهدید می‌کند، بیان کرد (بن مراد، ۱۹۳۱: ۵۰). درحالی‌که الحداد با طرح مفهوم نسبیت و تاریخت، در اجتماعی که وضعیت زن در آن بندی بود، تفسیری از احکام اسلام درباره زن ارائه داد و در همان آغاز اعلام کرد این احکام، احکام نهایی نیستند، بلکه احکامی هستند که از شرایط اجتماعی که در آن نازل شده‌اند، برمی‌خیزند (الحداد، ۱۹۹۹ب: ۱۲-۱۳). «عمر البری المدنی» از دیگر شیوخ زیتونه نیز با شمشیر آخته‌ای به رد دیدگاه‌های الحداد در کتاب *السيف الحق علی من لا یری الحق پرداخت*. محمدصالح از اینکه الحداد به عنوان یکی از دانشجویان زیتونه چنین سخنانی می‌گفت، اظهار تعجب و شگفتی کرده و گفته است حداد راه افراط را پیموده است. اظهارات وی درباره آزادی زن مخالف باحیایی است که اسلام آن را بخشی از ایمان می‌داند (بن مراد، ۱۹۳۱: ۱۸). الحداد دیدگاه افرادی مثل محمدصالح را جریانی ویرانگر و بلایی معرفی می‌کرد که آنها را تا حد جوامع اروپایی مقارن ظهور اسلام تنزل می‌دهد (الحداد، ۱۹۹۹ب: ۱۸). وی در مورد نقابی که زن تونس بر صورتش می‌زد می‌گفت حجاب امری شخصی است. فسق و فجور ارتباطی با حجاب ندارد. نقاب همچون لگامی است که به صورت سگ می‌زنند تا بر رهگذران مزاحمتی ایجاد نکند (همو، ۱۹۹۹ب: ۱۱۸). بن مراد در جواب می‌گفت من در عجبم از هوش و ذکاوت این مرد. آیا حجاب بر زن تحمیل شده است؟ آیا حجاب را گذاشته‌ایم تا مانع بی‌اخلاقی زن شویم؟ آیا این شبیه آن چیزی است که بر پوزه سگ می‌نهند؟ آیا تصور می‌کنید من با بی‌اخلاقی زن موافقم؟

مطبوعات متعدد داخلی و خارجی نسبت به مطالب کتاب الحداد واکنش نشان داده بودند. روزنامه‌های «الزهره»، «النهضة» و «الوزیر» از جمله آنها بودند که حاوی مقالاتی با عناوینی چون «حول زندقة الحداد» و «خرافة السفور» و «أین یصل غرور الملحدين» (الحداد، ۱۹۹۹الف: ۳۳۸) بودند و به نفی دیدگاه‌های حداد می‌پرداختند.

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین پیامدهای نوگرایی در تونس، ظهور جنبش‌های فمینیستی بود. این جریان مقارن با ورود استعمار فرانسه به تونس شکل گرفت. در این دوره دیدگاه تجددگرایی اسلامی با پذیرش ماهیت جهان‌شمولی تعالیم فمینیسم، امکان کاربست آنها را در جوامع اسلامی پذیرفت و به دیدگاه تاریخ‌مندی و تاریخ‌مداری مسائل زنان در جهان اسلام و تفاوت تجربه این جوامع با جوامع غربی قائل شد. این گفتمان که رشد خود را از دهه ۱۹۲۰م. آغاز کرده بود، متأثر از غرب بود. طاهر الحداد نویسنده *امراتنا فی الشریعة و المجتمع* از پیشگامان این رویکرد در تونس بود. در این مرحله زن تونسی وارد دوران تجدد شد؛ چنان‌که زنانی ظهور کردند که از حقوق خود دفاع می‌کردند و خواهان مشارکت با مردان در زندگی اجتماعی و سیاسی بودند. از سوی دیگر، توجه به ارزش‌هایی چون توسعه و رشد اقتصادی سبب شده بود مرکز توجه به زن از شئون دینی و فقهی به سوی پیشرفت‌های اقتصادی متحول شود و اندیشمندان نوگرا به نقض ادله کسان‌پرستانه که آموزش زنان را تنها در مسائل دینی و تدبیر منزل خلاصه می‌کردند و زن را از نگاه غریبه دور می‌داشتند و اجازه اختلاط با مردان را نمی‌دادند. به دنبال این تلاش‌ها، زنان در دهه‌های میانی قرن بیستم میلادی در امور سیاسی، اقتصادی و آموزشی مشارکت کردند و مطالبات خود را از طریق مطبوعات و اتحادیه‌ها پیگیری می‌کردند. در دوره استقلال، حبیب بورقبیه نخستین رئیس جمهور تونس به حمایت گسترده‌تری از زنان پرداخت و با تدوین مجله «الأحوال الشخصية» به شکل فزاینده‌ای به حمایت از زنان و آزادی آنها پرداخت؛ به طوری که جریان فمینیست در دوره استقلال، ماهیت سکولاریستی یافت و زنان تونس در منطقه در برخورداری از انواع آزادی‌های مدنی و سیاسی سرآمد شدند.

منابع و مأخذ

- ابن‌ابی‌الضیاف، ابوالعباس احمد (۱۹۹۹)، *اتحاف اهل الزمان بأخبار ملوک عهد الأمان*، ج ۷، تونس: دار العربیه للکتاب.
- ابن‌عذاری، ابوالعباس احمد (۱۹۴۸)، *البيان المغرب فی أخبار الاندلس و المغرب*، به کوشش کولان و پروونسال، ج ۱، لیدن: بریل.
- ابوزید، نصر حامد (۲۰۰۴)، *دوائر الخوف*، بیروت: مرکز الثقافی العربی.
- برومند اعلم، عباس (۱۳۹۲)، *بررسی تطبیقی جنبش‌های اسلامی الجزائر و تونس*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- بن‌خوجه، محمد (۱۹۸۶)، *صفحات من تاریخ تونس*، تحقیق حمادی الساحلی، بیروت: دار الغرب الاسلامی.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۱، شماره ۵۰، تابستان ۱۴۰۰ / ۱۵۹

- بن محمدسلطان ولد، محمد (۱۳۴۱)، *ديوان تركي*، به اهتمام ولد چلبى و كيليسلى رفعت، ج ۱، استانبول.
- بن مراد، بشيره (۲۶ دسامبر ۱۹۴۸)، «حديثى مع الوردتين»، *جريدة الحرية*، صص ۲۰-۴۰.
- _____ (۱۶ آوريل ۱۹۵۰)، «حول مشكلتنا الاجتماعية»، *جريدة الحرية*، صص ۱۰-۳۰.
- بن مراد، محمدصالح (۱۹۳۱)، *الحداد على امرأتنا الحداد (رد الخطاء و الفكر و البدع التي حواها كتاب إمرأتنا فى الشريعة و المجتمع الحداد)*، تونس: الرسمية.
- التونسى، خيرالدين (۲۰۱۲)، *اقوم المسالك فى معرفة احوال اممالك، قاهره: دار الكتب المصرى.*
- التيمومى، هادى (۱۹۹۹)، *الاستعمار الرأسمالى و التشكيلات الاجتماعية ماقبل الرأسمالية الكادحون الخماسة فى الأرياف التونسية (۱۸۶۱-۱۹۴۳)*، ج ۲، تونس: دار محمدعلى حامى.
- ثامر، حبيب (۱۹۴۸)، *هذه تونس*، قاهره: مطبعة الرسالة.
- الثعالبي، عبدالعزيز (۱۹۷۵)، *تونس الشهيدة*، بيروت: دار القدس الثعالبي.
- حجتى، لطفى (۲۰۰۴)، *بورقيبه و الاسلام (الزعامة و الإمامة)*، تونس: دار جنوب للنشر.
- الحداد، طاهر (۱۹۹۹الف)، *الأعمال الكاملة*، تونس: دار العربية للكتاب.
- _____ (ب) (۱۹۹۹)، *إمرأتنا فى الشريعة و المجتمع*، تونس: دار التونسية للنشر.
- _____ (۱۹۷۲)، *العمال التونسيون و ظهور الحركة النقابية*، تونس: مطبعة العرب.
- زركلى، خيرالدين (۲۰۰۲)، *الاعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربين و المستشرقين*، ج ۲، بيروت: دار العلم للملايين.
- زمرلى، صادق (۱۹۸۶)، *الاعلام التونسيون*، تقديم حمالى الساحلى، بيروت: دار الغرب الاسلامى.
- السنوسى، محمد [بى تا]، *رحلة الحجازيه*، تونس: شركة التونسية.
- الشرفى، عبدالمجيد (۱۳۸۳)، *اسلام و مدرنيته*، ترجمة مهدي مهريزى، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى.
- شمام، محمد (۲۰۰۱)، *زعيمه الحركة النسائية التونسية؛ السيدة بشيرة بن مراد*، تونس: بوليسيتى.
- الشنوفى، منصف (۱۸۶۸)، «رسالة احمد بن أبى الضيف فى المرأة»، *حوليات الجامعة التونسية*، عدد ۵، صص ۴۹-۱۱۲.
- ضيفالله، محمد (۱۹۹۵)، *معالم الحركة النسائية فى تونس (۱۹۳۶-۱۹۵۶)*، تونس: الروافد.
- عبدالوهاب، حسن حسنى (۲۰۰۱)، *خلاصة تاريخ تونس*، ترجمة حمادى ساحلى، تونس: دار الجنوب للنشر.
- _____ (۱۳۵۳)، *الشهيرات التونسيات*، تونس: مطبعة التونسية.
- العبيدى، ليلا (۱۹۸۷)، *جذور الحركة النسائية بتونس*، تونس: دار النشر التونسية.
- قصاب، احمد (۱۹۸۶)، *تاريخ تونس المعاصر*، تونس: الشركة التونسية للتوزيع.

۱۶۰ / جنبش زنان در تونس: از شکل‌گیری رویکرد اسلامی تا پیدایش دیدگاه سکولاریستی... / زهرا میرزایی

- ماکن، ر. [بی‌تا]، «لویی ماچوئل و الاصلاح التربوی بتونس»، *المجلة التاريخية المغربية*، عدد ۳، صص ۱۲۳-۱۳۸.

- محمدکرو، ابوالقاسم [بی‌تا]، *الأميرة نازلی فاضل هانم؛ رائدة النهضة فی مصر و تونس*، تونس: دارالمغرب العربی.

- منصور رجب، فضیله (۱۳۸۴)، «رحلتی الی تونس (التعلیم فی تونس)»، *مجلة منبر الاسلام*، عدد ۴، صص ۵۳-۵۶.

- میرزایی، زهرا (تابستان ۱۳۹۹)، «نوگرایی در تونس: از پیدایش نگاه انتقادی تا شکل‌گیری دیدگاه سکولاریستی در باب مدرنیته»، *فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام*، شماره ۴۵، صص ۱۰۷-۱۲۷.

- Badri, Balghis (2017), *Womans Activitism in Africa*, Madison: Zed Books.
- Çiçek, Coşken (2006), "Modernization and women in tunisia: an analysis through selected films", a thesis submitted to the graduate school of social sciences of middle east technical university, Retrieved from <http://etd.lib.metu.edu.tr/upload/12607598/index.pdf> Press.
- Huseyn Hilmi, Isik (1970), *The religion reformers in islam*, Istanbul: V1, Isik kitabevi.
- Sayadi, M. (1976), "AL_KHADUNIYYA", *Encyclopaedia of Islam*, Vol.10, Second Edition Leiden.

List of sources with English handwriting

- Al-'aBīdī, Laylā (1987), *jūḍūr Al-Ḥarīka Al-Nīsā'īya bī Tūnīs*, Tūnīs, Dar Al- Našr Al-Tūnīsīya
- Al-Ḥaddād, Ṭahīr (1972), *Al- 'Ommal Al-tunīsūn Wa Zohūr Al-Ḥaraka Al- Nīqabīya*, Tūnīs, Maṭba'a Al- Arab.
- Al-Ḥaddād, Ṭahīr(1999), 'Emra'atonā, Fī Al-Šarī'a Wa Al-Mojtama', Tūnīs, Dar Al-Tūnīsīya LilNašr.
- Al-Ḥaddād, Ṭahīr, Al-'amāl Al-kāmīla, Tūnīs, Dār Al-'arabīya līlkītab.
- Al-Šanūfī, Moṣṣīf,(1868), "Rīsala Aḥmad b. Abī Al-Žīāf fī Al-Mar'a, Ḥowliāt Al-ġamī'a, Al- Tūnīsīya, N5,PP49-112.
- Al-Sanūsī, Moḥammad (n.d), *Rīḥla Al-Ḥijāzīya*, Tūnīs, Šarīka Al-Tūnīsīya.
- Al-Šarafī, 'abd Al-Majīd(1383), *Eslām and Modernīta*, Translated by Mahdī Mahrīzī,Tehrān, Vezarat-e Farhang Va Eršād-e Eslāmī. [In Persian]
- Al-Ṭa'alībī, 'Abdūlazīz (1975), *Tūnīs Al-Šahīda*, Beirut, Dār Al- Qods Al-Ṭa'alībī.
- Al-Taymūmī,Hādī(1999) *AL-Este'mār Al-ra'sīmālī wa Al- taškīlāt Al-'Ejtemā'īya Maqabl Al- ra'sīmālīya Al-kādīhūn Al-ḡamāsa Fī Al-ariāf Al-Tūnīsīya (1861-1943)*, Vol.2, Tūnīs. Dār Moḥammad Alī Ḥamī.
- Al-Tūnīsī, ḡayr Al-Dīn (2012) *Aḡūm al-masālīk fī ma'rīfa aḡvāl al-mamālīk*, Cairo, Dār Al-kūtūb Al-Mesrī.
- 'bd Al-wahhāb, Hasan Hasanī (1353), *Al-Šahīrāt Al- Tūnīsīyāt*, Tūnīs, Maṭba'a al-Tūnīsīya.
- 'bd Al-wahhāb, Hasan Hasanī (2001), *Ḳolāše Tārīke Tūnīs*, Translated by Ḥamādī Sāhelī, Tūnīs, Dār Al-jonūb Lilnašr.
- Bīn ḡoja, Moḥammad(1986) *Šafahāt Mīn Tārīk Tūnīs*, Taḡḡīq-e Ḥīmadī al-Sāḡīlī, Beirut, Dār Al-ḡarb Al-Eslāmī.
- Bīn Moḥammad Soltān Valad, Moḥammad(1341), *Dīvān Tūrkī*, Walad Čalabī and kīlīskī Rf'at, Vo. 1, Istānbūl.
- Bīn Morād, Bašīra (1948), "Ḥadīth Ma'a Al-wardatayn", *jarīda Al-ḡorīya*, pp 20-40.
- Bīn Morād, Bašīra (1950), *ḡawl Moškīlātīna Al-Ejtema'īya*, *jarīda Al-ḡorīya*, pp 10-30.
- Bīn Morād, Moḥammad Šalīh(1931), *Al-Ḥīdād 'alā 'Emra'atīnā Al-ḡaddād (Rad Al-ḡaṭa' wa Al-Fīkr wa Al-bada 'Al-latī Ḥawaha Kītab' Emra'atīnā Fī Šarī'a wa Al-mojtama'Al-ḡaddad)*, Tūnīs, Al- Rasmīya.
- Borūmand 'Abbās (1392), *A Comparative Study of the Islamic Movements of Algeria and Tunisia*, Tehran, Research Institute of Islamic History, Tehrān, Pažūheškade Tārīk-e Eslām. [In Persian]
- Ebn Abī Al-Žīāf, Aḡmad, *Ithāf Ahl al-Zamān bī Aḡbār Molūk Tunīs Wa 'Ahd Al-Amān*, Vol.7, Tunīs, Dār al-Arabīya līl-Kītab.
- Ebn 'aḡārī, Abū Abbās Aḡmad(1948), *al-bayān al-maḡrīb fī Aḡbār molūk al-Andalūs Wa Al- maḡrīb*, the research of Kolan and Provençal, Vol.1, Leiden, briil.
- Ḥajjī, Lotfī (2004), *Būrḡība Wa Al- Eslām (Al-zī'āma wa Al-Emama)*, Tūnīs, Dār jūnūb Lil Našr.
- Maken,R(n.d), *Louis Machuel Wa Al-İšlāḡ Al-Tarbawī bī Tūnīs*. *Al-Majalla Al-Tārīkīya AlMaḡrībīya*, N3,pp123-138.
- Mīrzāeī, Zahrā, (1399), *Quarterly Journal of Islamic History Studies*, "Modernity in Tunis: From the Emergence of a Critical Perspective to the Formation of a Secularist Perspective on Modernity",N45,PP107-127. [In Persian]
- Moḥammad Karū, Abūlḡasīm, *Al-Amīra Nāzīlī Fāzīl Hānīm (nd)*, Ra'īda Al-nehza Fī Mīšr wa Tūnīs, Dār Al-ḡarb Al-arabī.
- Maṣšūr Raḡab, Fazīla (1384), "Rīḡlatī İla Al-Tūnīs (Al-ta'īm Fī Tūnīs)", *Majalla Mīnbar Al-Eslām*, No4, pp 53-56.

- Naşr Hāmid Abū Zayd(2004) *Dawā' er al-ḳawf*, Beirut, Markaz al-Ṭaqāfī Al-Arabī.
- Qaşşāb, Aḥmad(1986), *Tārīḳ Tūnīs Al-Mo'āşır*, Al-Şarīka Al-Tūnīsīya Al-Tawzī'.
- Şamām, Moḥammad(2001) *Za'īma Al-Ḥarīka Al-Nīsa'īya Al-Tūnīsīya*, Al-Sayīda Başīra B. Morād, Tūnīs, Boblīstī.
- Ṭāmīr, Ḥabīb(1948) *Hađihī Tūnīs*, Cairo, Maṭba'a Al-Rīsāla.
- Żayf Allah, Moḥammad (1995), *Ma'alīm Al-Ḥarīka Al-Nīsa'īya fī Tūnīs(1936-1956)*, Tūnīs, Al-Ravafid.
- Zīmīrlī, Şādīq, Al-A'lām Al-Tūnīsīūn, Taqđīm Ḥammālī Saḥīlī, Beirut, Dār Al-Ġarb Al-Eslāmī.
- Zīrkīlī, ḳayr Al-Dīn(2002) *Al-A'lām*, Beirut, Dār Al-'İlm LīlMala'īn,.

English Sources

- Badri, Balghis (2017), *Womans Activitism in Africa*, Madison: Zed Books.
- Çiçek, Coşken (2006), "Modernization and women in tunisia: an analysis through selected films", a thesis submitted to the graduate school of social sciences of middle east technical university, Retrieved from <http://etd.lib.metu.edu.tr/upload/12607598/index.pdf> Press.
- Huseyn Hilmi, Isik (1970), *The religion reformers in islam*, Istanbul: V1, Isik kitabevi.
- Sayadi, M. (1976), "AL_KHADUNIYYA", *Encyclopaedia of Islam*, Vol.10, Second Edition Leiden.

The Women's Movement in Tunisia: From the Formation of the Islamic Approach to the Emergence of the Secularist Approach (1881-1956 AD)¹

Zahra Mirzaei²

Received: 2021/01/05
Accepted: 2021/05/20

Abstract

Tunisia, like other Islamic societies, became acquainted with modernity in the nineteenth century. The arrival of modernity in Tunisia paved the way for extensive political, administrative, military, cultural, and educational developments. Despite these developments, until the early twentieth century, Tunisian modernist rulers and thinkers did not consider women's rights and the reform of their social status. From the first decades of the twentieth century, coinciding with the arrival of French colonization (1881-1956), women and their rights were considered. During this period, the current religious reform spread throughout the Arab Maghreb and Tunisia and gave rise to the current of Islamic modernization. Thus, for the first time, the issue of women's rights was raised by modernists such as Tahir al-Haddad. He was a graduate of Zaytouna Mosque. They defended women and their social rights with an Islamic approach. With new interpretations of religious texts, they put religious concepts at the service of the feminist movement. They challenged issues such as hijab, women's education and employment, polygamy, and the right to divorce. The people and some traditionalist scholars met this issue with an adverse reaction. The main subject of the present study is what factors led to the evolution of the status of women and the formation of women's advocacy movements during the colonial period? And what were the consequences of these developments? Findings show that factors such as the arrival of modernity in Tunisia, the role of colonialism, the support of Islamic modernists for women's rights, and the formation of unions had an influential role in improving the social status of women. Social and political activities were among the essential consequences of the reforms. These reforms paved the way for further broader developments, namely government support for feminism and the emergence of a secular women's movement during Tunisia's independence.

Keywords: Tunisia, Modernity, Women's Movement, Modernists, Islamists

1. DOI: 10.22051/hii.2021.34716.2407

2. PhD in History and Civilization of Islamic Nations, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. Email: zahra.mirzaei18@yahoo.com
Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493

